

همزاد، خودِ نامیرا

نقد کتاب همزاد یک مطالعه روانکاوانه

● نسرین شکیبی ممتاز

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء nasrinshakibi@yahoo.com

چکیده

کتاب همزاد اثر اتو رانک (۱۹۳۹-۱۸۸۴ م)، روانکاو و روان تحلیل‌گر اتریشی تبار در پنج فصل با عناوین «شرح مسئله»، «مثال‌هایی از همزاد در ادبیات»، «زندگی‌نامه به عنوان پیشینه ادبی»، «همزاد در انسان‌شناسی» و «خودشیفتگی و همزاد» تدوین شده و اخیراً توسط سبا مقدم به زبان فارسی برگردانده شده است. این کتاب، یکی از آثار پراهمیت اتو رانک در راستای مطالعه دغدغه‌های لاینفک روح بشر در طول تاریخ و انعکاس آن در ادبیات به عنوان بستری ظرفیت‌مند و مستعد برای پرورش این دغدغه‌هاست که از میل و نیاز انسان به نامیرایی و جاودانگی سرچشمه می‌گیرد. این مقاله مروری بر این کتاب با توجه به دیگر آثار این پژوهشگر برجسته، چون *اسطوره تولد قهرمان* و *جراحت تولد* است.

کلید واژه: روان‌شناسی ادبیات، اسطوره، اتو رانک، همزاد

مقدمه:

اتو رانک (۱۹۳۹-۱۸۸۴ م)، روانکاو و روان تحلیل‌گر اتریشی تبار و روان‌پزشک هم‌زادگاه زیگموند فروید، از شاگردان و همکاران مشهور وی بود که بیست سال پس از شاگردی و همکاری نزدیک با بنیان‌گذار روانکاوی نوین از او کناره گرفت. در میان آثار و مطالعات روان‌شناسی هستی‌گرایانه و روان‌درمان‌اگرزیستانسیال که از مهم‌ترین دغدغه‌های رانک و دستاوردهای جدید او برای انسان مدرن است، می‌توان به پیوند مطالعات او با اسطوره و ادبیات و اهمیت آن‌ها در تحلیل داستان‌ها و قصه‌های کلاسیک جهان توجه کرد. با توجه به رویکرد روان‌شناسی به اسطوره و ادبیات، دانشی جدید و بینارشته‌ای ظهور می‌نماید که خود بستری را برای تحلیل



■ رنک، اتو (۱۳۹۷). همزاد یک مطالعه روانکاوانه.

ترجمه سبا مقدم. تهران: افکار.

روان کاوانه و اسطوره‌شناسانه خویشکاری‌های قهرمانان به عنوان مهم‌ترین عنصر در داستان‌ها و قصه‌ها فراهم می‌آورد و از حقایق تازه‌ای درباره‌ی نهاد بشر و علایق و آرزوهای او پرده برمی‌دارد.

اتو رنک در دو رویکرد به مطالعه و بررسی داستان‌های اسطوره‌ای و روایت‌های عامیانه می‌پردازد. او در رویکرد نخست، در کتاب *اسطوره تولد قهرمان*^۱ به تحلیل اسطوره‌ها در سنت فروید می‌پردازد و با محوریت مقوله قهرمان بیش از هر کسی به موضوع نحوه تولد قهرمان و ابعاد گسترده اسطوره‌ای آن می‌پردازد و برای اثبات اندیشه‌های خود، از بیش از سی داستان اسطوره‌ای سود می‌برد. او با تأسی از فروید در تحلیل اسطوره‌ها و نیز با هم‌طراز دانستن اسطوره و رؤیا، اسطوره قهرمان را به نحوی تعریف می‌کند که اگرچه موازین آن جدید نمی‌نماید، ولی از اصالت نظریه فروید درباره اسطوره و داستان‌های اسطوره‌ای خبر می‌دهد. در آرای او، تولد و بقا به کارهای بزرگ قهرمانی مبدل می‌شود و حتی اسطوره‌های خلقت، به منزله تحقق کار آفرینش عالم لحاظ می‌شوند که از ناحیه قهرمان صورت گرفته‌است. وجه تشابه این داستان‌ها، قهرمانانی هستند که از چشم‌اندازهای اساطیری مشترکی برخوردارند. در حقیقت، تولد قهرمان که رنک آن را در آثار خویش، عملی قهرمانانه قلمداد می‌نماید، تمهیدی است برای رفتارهای الگومند و اسطوره‌مداری که پس از تولد و در دوران بزرگسالی از قهرمان سر می‌زند. از این‌رو، خاستگاه‌ها و کارکردهای مشترک میان قهرمانان مختلف، آنان را در گستره‌ای از روابط اسطوره‌ای و آیینی به یکدیگر متصل می‌سازد که رنک منشأ آن را قوه ذهن و نیروی تخیل بشر تلقی می‌کند. رنک با انتشار کتاب *جراحت تولد*^۲، حرکتی بنیادین در اصول تفکرات خود نشان داد. وی در این کتاب هنوز همچون فروید اسطوره را برآورنده آرزو می‌داند، اما آرزویی که اکنون باید برآورده شود. آرزویی که در آرای وی در این کتاب جایگاهی

محوری می‌یابد، میل به عدم تولد یا ایجاد زهدانی دومین در صورت تحقق آن است. در این کتاب بر خلاف اثر پیشین وی که همواره پدر در معرض انتقاد و انتقام قهرمان قرار داشت، مادر مقصر اصلی است، زیرا قهرمان را به دنیا آورده‌است. رنک کور شدن ادیپ را در پایان ماجرایش، نمادی از بازگشت او به تاریکی زهدان مادر تصور می‌کند. او حتی اسطوره «آدونیس» را به عنوان موردی از پیوند پیش‌ادیپی و نه ادیپی به مادر لحاظ می‌کند، زیرا علیرغم تولد و زیستن در این عالم، بر آن است تا هیچ‌گاه از امنیت زهدان مادر دور نگردد (Rank, 1929: 43).

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۸

۶۷

اتو رنک در مرحله دوم از تفکرات روان‌کاوانه خود، به بیان آرای می‌پردازد که اندیشه‌های پسا فرویدی او را نمایان می‌سازد. فروید فعل تولد را نخستین تجربه اضطراب و تشویش می‌داند، در حالی که رنک هرگز تولد را منشأ اصلی یا تنها منشأ اضطراب و روان‌پریشی قلمداد نمی‌کند. او همواره از فرع دانستن عقده ادیپ - که ضرورتاً پدر محور است بر ضربه روحی تولد - که ضرورتاً مادر محور است اجتناب می‌ورزید (سگال، ۱۳۸۹، ص. ۱۷۲). در این مرحله، رنک از آرای فروید فاصله گرفته و مادر به عنوان یک رکن مرکزی در مرکز اندیشه‌هایش قرار می‌گیرد. به زعم او اضطراب جنین به هنگام تولد، منشأ تمامی ترس‌ها و اضطراب‌های بعدی اوست. نزاع با پدر بر سر این در می‌گیرد که پدر مانع از آن می‌شود که پسر بتواند به زهدان مادر بازگردد و نه به این دلیل که پدر تمایلات ادیپی پسر را سد می‌نماید. او در کتاب جراحی تولد، به نحو نظام‌مندی زندگی انسان را چنان تفسیر می‌کند تا با ضربه روحی تولد سازگار گردد. می‌توان گفت که این روان‌کاوا اسطوره‌اندیش بیش از دیگران به مسأله تولد قهرمان و تأثیر آن بر اعمال قهرمانی اشاره دارد. به زعم او تولد یک ضربه عمیق بر جنین است و او را از منظر فیزیولوژیکی و روانی سخت تحت تأثیر قرار می‌دهد. او اضطراب سخت لحظه تولد را منشأ تمام اضطراب‌هایی می‌داند که در مراحل بعدی زندگی کودک رُخ می‌نمایند (بلوم، ۱۳۵۲، ص. ۵۶). از نظر فروید اعمال قهرمانی بر چگونگی تولد غالب است و یونگ نیز تولد قهرمان را تولدی ساده و طبیعی قلمداد می‌کند، زیرا در آرای او اعمال قهرمانی در دوره بلوغ و پس از آن است که اهمیت می‌یابد، اما مسئله تولد در اندیشه و آرای رنک رنگ و بوی دیگر دارد.

قهرمان رنک نیز مانند جوزف کمپبل در چارچوبی خاص از رفتارهای اسطوره‌مند قدم به جهان ناشناخته بیرون می‌گذارد و پس از تثبیت شخصیت خود در این نظام، طی جریانات و پیشامدهایی، وارد مرحله مهم تشرّف می‌شود. در الگوی مورد نظر وی، قهرمان و اعمال قهرمانانه، محور داستان‌های اسطوره‌ای است. بنابراین، شاخصه‌های متعددی از جمله: نحوه تولد و چگونگی رشد و تکامل جسمی و روانی قهرمان، اهمیت ویژه‌ای در تحلیل این نوع از داستان‌ها دارد. قهرمانان این طیف از داستان‌ها، اغلب با تولدی خاص که حاوی وقایعی شگفت‌انگیز در پیش و پس

از خود است، به دنیا می‌آیند. کودک با توجه به شرایط ناهمواری که در آن زاده می‌شود و نیز با در نظر گرفتن الزاماتی که جهان اسطوره بر او غالب می‌سازد، پس از تولد، از خانواده خود جدا می‌گردد. سپس با طی کردن فرایندهایی پس از دوره بلوغ، از گذشته خود آگاه می‌شود و به سوی خانواده و زادگاهش بازمی‌گردد.

همزاد^۲ همچون خود نامیرا

افلاطون در رساله مشهور ضیافت، در فصلی موسوم به «افسانه برش انسان به نر و ماده»، در ضمن بحث‌های اریستوفانس و اروکسی ماخوس با سقراط در باب چیستی عشق، به این نکته اشاره می‌کند که شکل انسان نخستین گرد بوده و پشت و پهلوهای او دایره‌ای را تشکیل می‌داده‌است. او دارای چهار دست، چهار پا، یک سر و دو صورت بود که به چهار جانب نگاه می‌کرد و بر گردنی گرد قرار داشت که بر آن چهار گوش بود (افلاطون، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۵)، اما این موجود دوباره به دلیل فریفته شدن به قدرت شگفت‌انگیز خود و تصمیم برای حمله به خدایان و تسلط بر آنان، به فرمان زئوس از هم مُنفک گردید و از این روست که افلاطون عشق را آرزوی آدمی برای یافتن نیمه اصلی خود قلمداد می‌نماید. از زمان افلاطون تا قرن بیستم و ظهور کتاب همزاد که اهمیت به‌سزایی در تحلیل این مفهوم و نمودهای مختلف آن در روان و آثار نویسندگان مشهور جهان دارد، این خودِ ثانوی از اسطوره تا تجلیات گوناگون آن در آثار حماسی، داستان‌های عامیانه، قصه‌های پریان، شعر و تصاویر متحرک اصالت معتناهایی را از آن خود کرده‌است که بخش اعظم آن، ریشه در روان بشر و بخش ناخودآگاهی وی و جهان اسرارآمیزی دارد که می‌توان با راهکارهای مطالعات روان‌شناختی به آن دست یافت.

کتاب همزاد که در دو پیشگفتار، یک دیباچه و مقدمه و پنج فصل با عناوین «شرح مسأله»، «مثال‌هایی از همزاد در ادبیات»، «زندگی‌نامه به عنوان پیشینه ادبی»، «همزاد در انسان‌شناسی» و «خودشیفتگی و همزاد» تدوین شده‌است، توسط سبا مقدم با نثری سلیس، یک‌دست و روان به زبان فارسی برگردانده شده‌است. این کتاب در حوزه علم شناخت روان بشر، یکی از آثار بااهمیت اتورنک در راستای مطالعه دغدغه‌های لاینفک روح بشر در طول تاریخ و انعکاس آن در ادبیات به عنوان بستری ظرفیت‌مند و مُستعد برای پرورش این دغدغه‌هاست که آن‌گونه که گهر همایون‌پور در پیشگفتار دوم کتاب می‌گوید، از میل و نیاز انسان به نامیرایی و جاودانگی سرچشمه می‌گیرد (رنک، ۱۳۹۷، ص. ۲۱). در حقیقت، تأکید بر وجود همزاد از نگاه روان‌تحلیل‌گر رنک تلاش و تقلایی برای مقاومت در برابر شکنندگی مفهوم مرگ و قاطعیتِ بلا تخفیف آن در جریان زندگی انسان است. نویسنده پیشگفتار دوم کتاب همزاد، تأکید ساموئل بکت مبنی بر انصراف از زندگی پیش از تولد را دلیلی مُتقن بر این موضوع می‌داند که این همزاد ماست که از زهدان مادر خارج می‌شود و پس از گذرانِ مسیرِ زندگی به خاک سپرده می‌شود

و «خود او به زندگی در بهشت از دست نرفته، بطن مادر، ادامه می‌دهد» (همان: ۲۲). آن‌گونه که نویسنده در مقدمه کتاب اشاره می‌کند، منتقدان و تاریخ‌دانان قرن نوزدهم که خود قرن شکوفایی علمی است، برای همزاد تفسیری فراتر از مفهوم ظاهری آن نیافته‌اند و علت استفاده از آن را در داستان‌ها و قصه‌ها یا به علاقه ویژه نویسنده به پدیده‌های غیرواقعی نسبت داده‌اند و یا به تمایل وی به ارائه ویژگی‌های بارز خویش و به وجود یک دیگری مرتبط دانسته‌اند. در واقع، اشتیاق برای یافتن یک هستی فرامادی، زمینه مساعدی برای کشف موجودات نشانمندی به وجود آورد که به زعم ریچارد م. میر در کتاب مورد بحث، «نامطمئن از هویتشان، گاه ساکنین زمین و گاه متعلق به جایگاهی غیرزمینی هستند» (همان: ۳۰).

فصلنامه نقدکتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۸

۶۹

اتو رنک انگیزه اصلی پژوهش خود را در فصل نخست کتاب همزاد، از فیلم «دانشجوی پراگ»^۵ به دست آورد که او را به مطالعه منابع و توضیحات ادبی، روان‌شناختی، اسطوره‌مند و نژادشناسانه مفهوم همزاد واداشت و با تأکید بر نیاز ذاتی بشر بر عدم زوال هستی، متعاقب مرگ و تمایل به جاودانگی و نامیرایی، راهی بر ارزش‌های متافیزیک و متعالی در برابر انسان مدرن گشود و او را از راز بزرگ جاودانگی در مقابل تهدید محتوم مرگ مطمئن ساخت. با بسط این مطالعات و تحلیل آن‌ها در داستان‌های مختلف ادبی، این حقیقت آشکار می‌گردد که همزاد روحانی، قهرمان نامیرایی و عدم زوال خود را از طریق همزادش مسجل می‌سازد، زیرا همزاد «نمایانگر تضاد بی‌پایان و ابدی بشر با خود و دیگران است، کشمکش میان نیاز به شباهت و میل به تفاوت است» (همان: ۳۶). به عبارت دیگر، حضور همزاد تصریحی متقن بر وجود بخش نامیرا و ابدیت‌طلب آن بخش از وجود انسان است که سرنوشت نهایی خویش را دستخوش استیلای مرگ دانسته و برای غلبه بر آن، مفهومی فراجسمانی و فرازمینی می‌آفریند. این تمثیل مقدس و رها از شائبه ماده و مدت، ساخت‌مایه بخش مهمی از ادبیات فارسی، به‌ویژه شعر عرفانی است و این گمان را تقویت می‌نماید که از زمان‌های دور در دستگاه روانی بشر و نهان‌خانه تودرتوی ناخودآگاهی وی گاه فروهرهای زرتشتی در دیانت زرتشت و گاه جسم هورقلیایی در رساله‌های رمزی شیخ اشراق و فرامن متعالی است که در بسیاری از غزل‌های عطار و مولوی رخ می‌نماید و از سیر تعالی روانی انسان در طول تاریخ پرده برمی‌دارد. تقی پورنامداریان در مقاله «عطار و عقاید گنوسی» به اهمیت «طباع تام» به عنوان فرشته فیلسوف و همزاد آسمانی روح یا من روحانی انسان می‌پردازد و او را یادآور «ترجمیگ» یا همزاد آسمانی در دیانت مانوی و «دئنا»ی زرتشتی به شمار می‌آورد. (پورنامداریان، ۱۳۹۴، ص. ۲) همچنین به زعم ایشان «آنچه صوفیه از دیدار با حق می‌گویند، در واقع دیدار با فرشته شخصی یا من ملکوتی و آسمانی خویش است» (همان: ۵).

موضوع همزاد با تمام نموده‌های ادبی و روان‌شناختی در عرصه سینما و هنر

ساخت فیلم چشمگیر است. بررسی این مقوله و نیز اهمیت «سایه» و «آینه» در تبیین آن در آثاری مانند *ماجراهای شب سال نو* اثر اورس، شعر «لنا»، *افسانه پریان* از گوته، *تیتان* از ژان پل، *پادشاه کوه‌های آلپ* و *اسپند* تریفت از فردیناند ریموند، تصویر دورین‌گری از اسکار وایلد، *شب دسامبر* از موسست و همزاد از داستایفسکی، فصل دوم کتاب را به خود اختصاص داده‌است. در تمامی این آثار، خصایص رایج مشترک با توجه به ساختارهای روانی یکسان و همانند شخصیت‌ها و قهرمانان مورد تحلیل روان‌شناختی قرار گرفته و از این منظر که هر انسانی در این جهان دارای یک همزاد است، بررسی شده‌است.

فصل سوم کتاب همزاد به بررسی زندگی‌نامه نویسندگان مشهوری همچون هافمن، ادگار آلن پو، ژان پل، ماپاسانت، ریموند و داستایفسکی و وجود عقده‌های ثابت که منجر به بروز واکنش‌های مشابه و یکسانی می‌گردد، اختصاص دارد. زندگی‌رنج‌آمیز غالب این نویسندگان به شگفتی نوشته‌هایشان است. آنان در فرایند تولید آثار ادبی به تصویر آینه‌ای همزاد و خود دوم خویش در آینه و اشکال مبدل خیالی دیگری اشاره می‌کنند که گاه در قالب شمایل و تصاویر ترسناک رخ می‌نماید. ترس از مرگ و زوال هستی، هراس از ابتلا به جنون، رویارویی با تروماهای روانی شدید، تعارض‌های روان‌شناختی با ایگو، قدر مشترک غالب نویسندگان و هنرمندانی است که زندگی شخصی‌شان مورد کندوکاوهای روان‌شناسانه قرار گرفته‌است.

همسانی سایه با همزاد و پیوند افکار موهوم خرافی پیرامون آن دو، مفاد فصل چهارم کتاب را تشکیل می‌دهد. شامیسو، اندرسون و گوته آن دست از نویسندگانی هستند که به زعم رنگ به‌طور آگاهانه این مضمون را دست‌مایه آثار خویش قرار داده‌اند. آن‌گونه که از بررسی‌های رنگ برمی‌آید، این قبیل خرافات پیرامون سایه به اندیشه وجود روح نگهبان ارتباط دارد و به مفهوم همزاد نزدیک می‌شود، زیرا سایه بدنی را که متعلق به آن است، دنبال می‌نماید و محتوای اصلی بسیاری از آثار ادبی و هنری را تشکیل می‌دهد. عقیده روح‌های محافظ که نخستین بار توسط ای. ال. راجه‌لز، نویسنده مشهور آلمانی مطرح می‌گردد، بر این باور استوار است که همزادی که تصویر خود را ببیند، در عرض یک سال خواهد مرد. او بر این نظر است که «اصل معنای چنین اشباحی، در ابتدا خوب بوده‌است و تدریجاً با قدرت گرفتن اعتقاد به زندگی پس از مرگ، معنای آسیب‌زننده (مرگ) به خود گرفته‌است. بنابراین، سایه فرد که در طول عمرش همچون یک روح همراه و یاری‌بخش بوده‌است، باید به یک روح ترسناک آزارنده‌ای که شکنجه‌گر فرد مورد حمایتش است و او را تا پای مرگ تعقیب می‌کند، تقلیل یابد» (همان: ۱۲۸).

ارتباط سایه یا همزاد فرد با جادو رنگ را به اندیشه‌های جیمز فریزر پیرامون این مفهوم پیوند می‌دهد. افکار خرافه که پیش از این نیز بدان اشاره شد، ارتباط ماهوی عمیقی با ترس‌ها و اضطراب‌هایی دارد که غالب ملت‌های متمدن

جهان از سایه با آن روبه‌رو هستند. فریزر در کتاب مشهور *شاخه زرین* به موضوع «روح به عنوان یک سایه و یک انعکاس» می‌پردازد و به این نکته می‌رسد که «خرافه‌پرستی» ما در بسیاری از منعیات و تابوها ریشه در باورهای اقوام وحشی دارد. به زعم فریزر «بسیاری از انسان‌های اولیه بر این باور بودند که هرگونه صدمه وارد شده به سایه، به صاحب سایه نیز آسیب می‌زند و همین مسئله غیب‌گویی و جادوگری را به وجود آورده‌است» (همان: ۱۲۹).

فصلنامه نقدکتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۸

۷۱

«خودشیفتگی و همزاد» عنوان فصل پایانی کتاب *همزاد* است و با علم روانکاوی نمی‌توان این موضوع را که مفهوم مرگ همزاد رابطه نزدیکی با معنای خودشیفتگی دارد، امری تصادفی تلقی کرد. از منظر رنک، علت پذیرفته نشدن گفته‌های فریزر درباره این موضوع در این واقعیت نهفته است که تبیین او از افسانه نارسیس، مسئله را تنها به پرسش پیرامون خاستگاه معنای زیرین باورهای خرافاتی تبدیل می‌نماید، زیرا با تکیه بر فریزر از خود می‌پرسیم که چرا در افسانه نارسیس، معنای مرگ‌آمیزی که با همزاد پیوند خورده، مشخصاً با انگیزه مفهوم عشق به خود جایگزین شده‌است (همان: ۱۵۸). او ذات مفهوم نارسیس را آن‌جا که نشان‌دهنده معنای روح و مرگ در داستان‌های قومی است، چندان با موضوع همزاد غریبه نمی‌داند. این دیدگاه نه تنها در باورهای اسطوره‌ای در مورد آفرینش از طریق درون‌اندیشی آمده‌است، بلکه مهم‌تر از آن، توسط سبک‌های ادبی که موضوع نارسیس را در رأس موضوع‌های همراه با موضوع مرگ قرار می‌دهند، یافت می‌شود.^۶

نتیجه‌گیری

کتاب *همزاد* به تحلیل نقش‌مایه‌های همزاد در آثار سینمایی، شعر و داستان می‌پردازد و رابطه قهرمانان این دست از آثار را با مقوله هراس از مرگ و شوق جاودانگی بررسی و تبیین می‌نماید. شناخت همزاد در این مفهوم که هر انسانی در این جهان دارای یک خویشتن دیگر است، راهی بر شناخت حقیقت خود و درک نوعی اتحاد کیهانی در نهان هستی می‌گشاید و سیر تعالی روانی انسان را سهل‌الوصول می‌نماید.

پی‌نوشت

1. The Myth of the birth of the hero
2. Trauma of the birth
3. The Double
4. Animation
۵. فیلم «دانشجویی در پراگ» یا «دانشجوی پراگ»، محصول کشور آلمان در سال ۱۹۱۳ و به

کارگردانی پیل و گنر و استلان رای از نمونه‌های نخست ژانر وحشت است.
۶. شیفتگی نارسیتیک به تصویر و به خود فرد، همراه با ترس و نفرت از همزاد، به طور قوی در داستان اسکار وایلد به نام دورین گری نشان داده شده‌است. برای توضیحات بیشتر ر.ک: همزاد، صفحات ۱۵۷-۱۵۹.

منابع

- افلاطون (۱۳۸۱). *ضیافت (درس عشق از زبان افلاطون)*. ترجمه محمود صناعی. ویرایش، مقدمه و حواشی فرهنگ جهانبخش. تهران: نیل.
- بلوم، جرالد اس (۱۳۵۲). *نظریه‌های روانکاوی شخصیت*. ترجمه هوشنگ حق‌نویس. تهران: امیرکبیر.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۹۴). «عطار و عقاید گنوسی». مجموعه مقالات همایش بین‌المللی بررسی منظومه فکری و آثار عطار. اصفهان: قطب علمی تحقیق در متون حکمی و عرفانی دانشگاه اصفهان.
- رنک، اتو (۱۳۹۷). *همزاد*. ترجمه سبا مقدم. تهران: افکار.
- سگال، رابرت آلن (۱۳۸۹). *اسطوره*. ترجمه فریده فرنود فر. تهران: بصیرت.
- Rank, Otto. (1929). *The trauma of birth*, London, Kegan Paul, New York, Harcourt Brace.

فصلنامه نقد کتاب

ادبیات و هنر

سال دوم، شماره ۵
بهار ۱۳۹۸

